

## یاد رفقای جان باخته (6) رفقا تورج و صلاح میرزایی



رفیق تورج میرزایی



رفیق صلاح میرزایی

مقدمه-واحدهای نظامی در جنگ پارتیزانی اگر زمینه و میدانی برای استعدادها و پرورش شخصیت هایی با کارایی نظامی میتوانند باشند، در عوض عرصه ای محدود، ضعیف و ناکافی برای انهایی خواهد بود که از جنبه ها و استعداد های دیگری برخوردارند و در نتیجه در این میدان توانایی هایشان بکارگرفته نمیشود و عموماً "درواحدها پروسه فعالیتشان سیر نزولی طی کرده و حتی منفعل میشوند. اگر برای رفیقی این فضا مستعد و شرایط مساعد برای رشد خلاقیت هایش باشد، برای دیگری شاید به عکسش تبدیل شود. این وضعیت در مورد برادران و رفقای جان باخته تورج و صلاح میرزایی تا حدود زیادی صدق میکند. یکی فعال این عرصه شد و دیگری (رفیق صلاح) و دیگری (رفیق تورج) از فعالیت قبلیش بازماند و استعدادها و توان هایش امکان بروز نیافت، بکارگرفته نشد و حتی شخصیت، مبارزه و زندگیش میسری دیگر طی کرد.

در سالهای بعد از قیام که طیف وسیعی از کمونیست ها و مبارزین سیاسی (عمدتاً از کردستان) به کومه له ملحق شدند، عرصه فعالیت تشکیلاتی کومه له عمدتاً نظامی بود و این محدودیت و کمبود عرصه ها طبیعاً برای بعضی از آن مبارزین مشکلات و موانعی جهت پرورش استعداد هایشان همانطور که گفتیم پیش آورد و هر یک به شکلی و به نحوی با این نارسایی ها مشکل پیدا کرده و درگیر شدند و میباید گفت که این مبارزین، سرمایه های پرورش نیافته و به هدر داده شده، استعداد های هرز شده و از دست رفته متعلق به انقلاب کارگری بودند که درک جنبش معین دیگران باختند. همینجا باید گفت که در این جنبش معین و مبارزه مسلحانه و جنگ پارتیزانی در از مدت آن، یک صف طولانی از کمونیست ها، فعالین و معتقدین به برقراری جامعه برابر و آزاد، جان باختند، که جدا از آن ترمان برای مرگ زودرسشان، آنها نمیتوانستند سالهای طولانی تر و با بازده هزاران برابر از کارگری که کرده بودند، در موقعیت دیگر و با توجه به توان و انرژی هایشان، فعال و پیش برنده امر سوسیالیسم در جایگاه های واقعی خود میشدند.

### یک فکریک آرمان، درد و وجود

رفقا صلاح و تورج، دو برادر، هر دو از یک سرشت و مایه، انقلابی و رزمنده، اماد و کارکنان و دو شخصیت جدا از هم، آن یکی (تورج) پر جنب و جوش و پر شور، این یکی آرام و صبور، هر دو مکمل یکدیگر، برابری طلب و فعال، خوشنام، سرسخت و سازش ناپذیر بودند و تا به آخر در راه سوسیالیسم کام برداشتن، تلاش کردن و جان باختن، دو برادر، دو رزمنده و هم فکر، یک فکریک آرمان، درد و وجود.

### رفیق صلاح میرزایی

#### مستول سیاسی و فرمانده نظامی

رفیق صلاح در طول دوران کوتاه مبارزه اش، فعال، خوش نام، محبوب و دوست داشتنی بود. به سیاست و برخورد سیاسی اهمیت میداد و در عرصه نظامی هم توانا بود. از استثنای رفقای نظامی کار بود که امر سیاست هم مشغله اش بود و بر روی از خود خواهی ها و انحرافات نظری که میتواند در مبارزه پارتیزانی دامن یک فرمانده جوان و محبوب و با اتوریته را بگیرد، عاقبت در یک درگیری رفیق صلاح در سال 1363 جاننش را از دست داد.

### رفیق تورج میرزایی

#### کمونیست پر شور و نماینده فعال جنبش دانش آموزی شهر سنندج

در سال 56 که هنوز در شهر سنندج از قیام خیری نبود، نوجوانی جسور و با فراهم کردن بمب و گذاشتن آن در زیر ماشین ساواک در شهر سنندج، در محل دور افتاده ساواک و در فضای پر از رعب و وحشتی که در آن محوطه حاکم بود، باعث انفجار ماشین و زدن اولین حرقه قیام در این شهر شدند. تورج دستگیر شد و در زندان سنندج هم بند رفیق فواد مصطفی سلطانی و رفقاییش بود. نترس و بی محابا در کنار آنها مبارزه کرد و با آمدن در مکتب کاک فواد آموزش دید و رفیق نزدیکش شد. رفقاقتشان در بیرون زندان هم ادامه

داشت ویکبار هم در مهاباد، او آخر سال 57 تورج، در مورد قیاده موقت بارهبر کومه له مصاحبه ای کرد، که به صورت نوراکاست پخش گردید. در سال 59 و بعد از اشغال شهرها توسط رژیم، تورج هم در صف پیشمرگان قرار گرفت.

بعد از مدت‌ها هنگامیکه در یکی از روزهای زمستان سال 59 او را در شهر بوکان دیدم، اولین چیزی که به نظر آمد این بود که لباس پارتیزانی به تن تورج فعال و آزاده تنگ به نظر می‌آمد و او را چون گذشته نمی‌دیدم. دانستم این میدان فعالیت آن رزمنده پرشور و با استعداد (در عرصه های دیگر) نیست و پای صحبت هایش که نشستم، دیدم نگران ورنجیده است. نگران فضاوت دیگران ورنجیده از تشکیلات کومه له، که نامسنولانه، بدون شناخت از او و سابق مبارزاتیش، با او برخوردی نفی گرایانه کرده اند. تصمیم داشت به منطقه سنندج برگردد و در صف مبارزه خلاف نظرات نامسنولان را اثبات کند.

بطور قطع برخورد و برخوردهایی از این دست در زندگی هر مبارزی، بخصوص در عرصه تشکیلات میتواند تاثیرات منفی خاص خود را داشته باشد و در مقطعی که برای انسان احساسات بیشتری دارد این مسئله حادث تر هم بشود. اما احساسات، عدم موفقیت و وضعیت بعضی از مبارزین در عرصه تشکیلات را در اینگونه موارد، باید در زمینه ای که در بالا به آن اشاره کردم، دید و ارزیابی کرد. وضعیت مبارزینی که با توجه به چگونگی شخصیت شان و عدم انطباقشان با طرف مبارزه ای که در آن قرار گرفتند و گاهی در تضادشان با حزب، تشکیلات و نظرات انتقادی که داشتند و طرح این نظرات را آن احزاب بر نمی‌تابیدند و مبارزه و گاهی زندگی این مبارزین دچار دگرگونی و مسیری دیگر میافت .

باری رزمنده روزهای قبل از قیام، مبارز بر جنب و جوش ایام سرنگونی حاکمیت دیکتاتوری پهلوی، نماینده فعال پرشور جنبش دانش آموزی شهر سنندج، سخنران جوان و مسلط و توانای متینگ ها و گرد هم آبی های بزرگ، آنکه به حق از جانب هم نسل هایش پیام آوری و خود تجسم را دیکالیسم، سازش ناپذیری، تحرک جوانان انقلابی و کمونیست بود، شخصیتی که همه او را دوست داشتند. چهره مصمم و خندان و در همه جا حاضر، خوش اخلاق، با پر نسیب، مهربان و مؤدب، بعد از چندی به ناحیه کامیاران رفته و در واحدی نظامی سازماندهی میشود. در جریان اجرای یک عملیات در سال 60 خودش پیشنهاد بودن در گروه پیش روی در عملیات را میدهد، با پیشنهادش موافقت نمیشود، اما در حین عملیات و درگیری از سنگرش بدرآمده و بی هیچ احتیاطی پیشروی میکند و جانش را دست میدهد. رفیق تورج با این حرکت و تصمیم از قبل گرفته شده اش، پابانی به زندگی و مبارزه اش میدهد.

یادشان گرامی باد.

بهروز شادی مقدم 17.12.2009  
<http://shadochdt.wordpress.com>  
shadi\_behr@yahoo.de